

خطوطی از تاریخ

نگاهی به دو سال جنبش کارگری در ایران

راز انقلاب

از حمله سیاستهای اقتصادی رژیم کنونی گسترش تولید خرده یا در صنعت و کشاورزی میاشد که به افزایش نرخ بیکاری منتهی شده است. دولت علاوه بر اینکه بیکاری را تخفیف نداد، نرخ بیکاری را به ارقام فاجعه انگیزی کشانده است (حدود ۴-۵ میلیون نفر بیکار). همچنین دولت با افزایش نرخ تورم و با این آوردن قدرت خرید کارگران و زحمتکشان بر شرایط زیست آنها تاثیر مستقیم داشته، با آوری نیروی کار را کاهش داده و به رکود در تولید و کاهش تولید ملی دامن زده، به بحران عمیق بیشتری بخشیده است. مجموعه عملکردهای دولت گام به گام در تخریب بیشتر نیروهای مولد و بازسازی روابط تولیدی بورژوازی نقش موثر داشته اند.

جنگ نیز بمثابه ای ادامه ی سیاست حاکمیت کنونی و بعنوان حربه ای برای برانگیختن بورژوازی از طریق از بین بردن مراکز صنعتی، بیکار نمودن صدها هزار نفر از کارگران و شاغلین دیگر، ویرانگری مناطق مسکونی مردم و آواره نمودن جمعیتی حدود ۲ میلیون نفر و از طریق گسترش فقر و فساد فرهنگی بحران را بحد یک فاجعه کشانده است. تداوم بحران چند ساله ای اخیر و تعمیق و گسترش آن توسط حاکمیت کنونی بصورت منشاء انکشاف بیشتر رشته ی سرخ و بیوسته مبارزه ی طبقه ای در دو ساله ای اخیر عمل نموده است. اوضاع کنونی جامعه و نابابیداری شرایط اجتماعی از ادامه ی بحران (اقتصادی و سیاسی) و مبارزه ی طبقه ای بر بستر روابط بورژوازی نشأت میگیرد.

مبارزه: پاسخ کارگران به بحران

زمینه ی مادی جنبش کارگری کنونی بطور کلی روابط تولیدی سرمایه داری و بطور مشخص بحران اقتصادی و سیاسی چند ساله ای اخیر است. این نکته در دریافت جنبش کارگری دو ساله ای اخیر حائز اهمیت است. تداوم بحران که از سال ۵۵ آغاز گشته، گسترش و جنبش کارگری را به همراه داشت و گسترش و تعمیق بحران اوگیری مجدد جنبش مستفصل کارگری را میتواند به همراه داشته باشد. بیوستگی بحران اقتصادی و سیاسی تداوم حلقه های مبارزات اقتصادی و سیاسی را ممکن

راز انقلاب سیاسی بهمن ۵۷ با تداوم و تعمیق نابابیداری شرایط اجتماعی جامعه در وجه مختلف اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژی- یک برهمکنش و حتی برسختنهای از بورژوازی فاش شد. واقعیات سخت زمینی برده های ایدئولوژی- یکی را که برده ساتری بر ماهیت روند تاریخ سالهای اخیر افکنده بود از هم درید و بار دیگر، تاریخ جوامع، تاریخ مبارزه ی طبقه ای را بنما- بین گذاشت. روند تضاد بین نیروهای مولده و روابط بورژوازی، تولید کننده چیزی جز تاریخ تضاد بیش از حد درآمد ملی و تولید ملی که در پی از دیاد درآمد حاصل از نفت و بشکل روند سقوط آهنگ رشد تولید ناخالص ملی متبلور شد، نیست، در همبستگی با مبارزات طبقه ای سالهای اخیر به سقوط سلطنت و تغییر شکل سلطه ی دولت بورژوازی انجامید.

تداوم بحران: طلسم ناگشوده

سرنوشت رژیم سلطنتی بورژوازی و تلاشی همزمنی جناح بوروکرات - نظامی بر کل طبقه ای حاکم نه تنها با یابی بر بحران سیاسی و اقتصادی نبود بلکه بحران بمثابه ی محصول مضاعف عملکرد حاکمیت کنونی تحدید تولید یافت. حاکمیت جمهوری اسلامی که بر پایه ی اشتلاقی از اقشار خرده بورژوازی - بورژوازی نظام یافته است، چه بشکل دخالت مستقیم دولت در اقتصاد و تخریب بیشتر نیروهای مولده و چه بشکل تحدید و سرکوب تمام آزادیها، دموکراتیک و از جمله هرگونه فعالیت سیاسی خود بعنوان عامل جدیدی در تداوم و گسترش و تعمیق بحران چند ساله ای اخیر در صحنه ی حیات اجتماعی خودنمایی نمود. درآمد ملی بسمت سیر نزولی هدایت شد. تولید اکثر واحدهای تولیدی، منقبی به کمتر از نصف ظرفیت تولیدی خویشی تقلیل یافت. ۷۰ و این در زمانی است که حدود ۸۰ درصد از صنایع دولتی شده اند! بیشتر از ۶۰۰ کارخانه با فاضلی صنایع سنگین و اساسی نظیر نفت، پتروشیمی و همچنین خطوط ارتباطی و حمل و نقل در دست دولت میباشند.

ساخته است. عمل مستقیم کارگران در تجزیه‌ی طبقاتی خواسته‌هایی که در بستر جنبش عمومی مردم "ایده‌ی عمومی" جنبش را تشکیل می‌سازد نقش تعیین کننده‌ای می‌یابد. از خصوصیات بارز این مبارزات بروز آشکار مبارزه‌ی طبقاتی بعد از سالها رکود می‌باشد. در واقع بحران، مبارزه‌ی طبقاتی را از اعماق و از پستوهای نهانگاه جامعه به سطح جامعه کشانید. جوشی که در قعر اجتماع بود خود را بصورت امواج پرتلاطمی نمایان کرد که کشتی سلطنت را درهم شکستند. کشتی شکست، اما سواحل نجات نمایان نبود. در پس بهمن انقلاب مبارزه‌ی طبقاتی کارگران آفتاب ملایم بهاری بود. یخ‌های توم حتی در نقطه‌ی انجماد، تحمل آفتاب مطبوع بهاری را نداشتند. مبارزه ادامه یافت. بروز کمی این مبارزات در تعدد حوادث و کثرت کارگران و زحمتکشان شرکت کننده، بی‌سازمان خویش را می‌یابد. پاسخ کارگران به بحران بر میانی بیش یافته‌های هستی اجتماعیشان شکل می‌گیرد. کارگران شاغل با بازخواهی، حقوق پراخت نشده‌شان جوابی برای تورم می‌یابند. اما نرخ تورم چنان است که خواست برداخت عیدی و پاداش، سود ویژه (یا عدم کاهش آن) برداخت حقوق مسکن، حق عائله، حق ایاب و ذهاب و حتی افزایش دستمزد را در حرکتها کارگران شاغل شکل می‌دهد.

اما جنبش کارگری که ریشه در بحران اقتصادی و سیاسی اخیر دارد و در بستر یک جنبش عمومی سیاسی حرکت درآمده بود، دامنه‌ی خواسته‌های خویش را گسترده‌تر می‌سازد. اخراج عناصر ساواکی و محاکمه‌ی آنها، بازگشت به کار کارگران اخراجی (قبل و بعد از سقوط رژیم شاه)، لغو هرگونه جریمه، تقلیل تعداد ساعات کار روزانه، تعطیلی پنجشنبه (دوروز تعطیل در هفته) جلوگیری از اخراج کارگران، دخالت در مدبریت و اخراج روسای خودفروخته و محاکمه‌ی اختلاس‌کنندگان، خلع پست از پیمانکاران، راه اندازی شرکت و اداره‌ی آن توسط خود، رسم شدن کارگران پیمانی و حتی کنترل نسبی تولید در بعضی واحدهای تولیدی از طریق تشکیل شوراهای کارگری و... از جمله خواسته‌ها و مبارزات جنبش کارگری دو ساله‌ی اخیرند. بحران، شکل بورژوازی پرولتاریا را از هم گسیخته و بی‌کاری از مهمترین پدیده‌ی یافته‌های هستی اجتماعی طبقه‌ی کارگر بعد از قیام بهمن می‌باشد. رکود تولید که خود جلوه‌ای از بحران اقتصادی است در ضمن ریشه در بحران سیاسی جامعه دارد. خارج شدن سرمایه‌ها بحالت بحران حاکمیت که ناتوان از ایجاد شرایط قهری استثمار نیروی کار کارگران بود، رکود در تولید را بدنبال داشت. نتیجه‌ی آن بی‌کاری شدن بی‌سازمان ۳ میلیون کارگر عمدتاً پروژه‌ای است. پاسخ کارگران و زحمتکشان بی‌کار به این جنبه از بحران-رکود-مبارزه علیه بی‌کاری بود.

خواست آنها: بکار اندازی مجدد پروژه‌های تولیدی بوسیله‌ی دولت و جذب نیروی کار کارگران بی‌کار در این پروژه‌ها. از دیگر خواسته‌های کارگران بی‌کار تقاضای پرداخت حق بیمه‌ی بیکاری بوسیله‌ی دولت و همچنین دریافت "دفترچه‌ی بیمه درمانی" قابل ذکرند. مبارزات کارگران بی‌کار از بارزترین مبارزات طبقه‌ی کارگر بعد از بهمن ۵۷ می‌باشد. تداوم رکود، سیاست دولت بورژوازی در مقابل آن، تداوم مبارزه‌ی کارگران بی‌کار علیه رکود دولت را سبب دنبال داشت. دولت متوسل به عمل مستقیم شد. مبارزات کارگران بی‌کار را با ارگانهای بلاواسطه‌ی سلطه‌ی دولت و اجزاء مکملی آنها - پاندهای سیاه حزب الهی - سرکوب نمود. سازمان یابی مبارزات کارگران بی‌کار در آبادان در "سندیکای کارگران فصلی (پروژه‌ای)" و کارگران بی‌کار در تهران در "خانه‌ی کارگر" گرچه از عمر نسبتاً کوتاهی برخوردار بودند ولی از لحاظ امکان تشکیل مجدد کارگران بی‌کار در صورت شکل گیری موج جدیدی از مبارزات کارگری درخور اهمیتند. در سندیکای کارگران فصلی، بیش از ۱۳ هزار کارگر بی‌کار متشکل شدند. تداوم رکود و نقش تضعیف کننده‌ی آن در کیفیت اولیه‌ی شکل پذیری کارگران بی‌کار، منشاء بلاواسطه‌ی دهقانی اکثر کارگران بی‌کار و وجود عنصر بازگشت به "خوش نشینی" در ترکیب ذهنیت کارگران، رقابت شدید موجود بین کارگران و نتیجتاً حمایت نکردن کارگران شاغلی از بی‌کاران، سرکوب و سیاست ضد کارگری دولت، دخالت آن در سامانه‌ی نیروهای مولده‌ی اجتماعی در کنار سیر وقایع و تحولات سیاسی جامعه (گروگانگیری، جنگ...) و سیاست رویزیونیستی و سازشکارانه‌ی برخی از نیروهای "چپ" درقبال جنبش کارگری، به تضعیف مبارزات جمعی کارگران بی‌کار منجر شد. درک این مسأله در روند جنبش کارگری حائز اهمیت می‌باشد. در آستانه‌ی شکل گیری جنبش اعتراضی عمومی درک این نکته برای کارگران و زحمتکشان آگاه و نیروهای کمونیست اهمیت عملی دارد.

وجود بحران، پیوستگی بحران اقتصادی و سیاسی، بروز آشکار مبارزه‌ی طبقاتی، تعمیق و گسترش بحران، عمل مستقیم دولت (دخالت در اقتصاد، تاکتیکهای متفاوت سرکوب کارگران) تنوع اشکال مبارزات کارگران را طی دو ساله‌ی اخیر ممکن ساختند. اعتماد، تحمّن، نظاهرات، تجمع، اعتراض (نامه نگاری، مراجعه به نهادهای مختلف دولتی)، گروگانگیری کارفرمایان، مقاومت در مقابل عناصر متوهم، بینابینی، مرتجع و پاسداران سرمایه عمومی - ترین اشکال مبارزات طبقاتی کارگران در این دو سال بوده‌اند. این اشکال مبارزه گاهی بیانی مسالمت آمیز یافتند (تجمع و سخنرانی، مراجعه به نهادهای دولتی) و زمانی خود را بصورت قهرآمیز بروز میدادند (گروگانگیری،

پرتوان ترباد اتحاد کارگران علیه سرمایه داران

حمله به مراکز دولتی، اشغال کارخانه‌ها)، وجود اشکال مختلف مبارزه در ترکیب عمومی، مبارزات کارگری و امکان بروز آنها بطور سالم‌آمیز و قهرآمیز اهمیت تاکتیکی مهمی در هدایت عملی مبارزات کارگران دارند. همچنین ترکیب متنوع مبارزات و اشکال متفاوت بروز آنها از لحاظ شکل‌گیری آگاهی سیاسی سوسیالیستی در کارگران نسبت به موقعیت خود و نیز عملکرد دولت‌نقش ویژه‌ای در جامعه ایفا میکنند. تنوع اشکال مبارزه، جامعیت برخورد کارگران نسبت به کارکردهای متفاوت جامعه بورژوازی را به همراه دارد. عمل مستقیم کارگران بر زمینه‌ی این جامعیت درنضح و قوام آگاهی سوسیالیستی کارگران نقش خاصی می‌یابد.

از لمحدهای مهم دیگر مبارزات کارگران در دو ساله‌ی اخیر در تداوم مبارزات گذشته در سالهای ۵۷-۵۶، ترکیب متنوع اشکال سازمانی فرآیند سازمان‌یابی طبقه‌ی کارگر میباشند. کارگران ایران که در سالهای رکود مبارزه، عملکرد ضدکارگری اتحادیه‌های زرد را دیده بودند، در تجارب مستقیم خود، تنهائی تشکیل سندیکا و کمیته‌های موقت مخدلف (تدارک اعصاب، نمایندگی برای اعتراض) دست زدند بلکه شکل نوینی از شکل را که در ایران تقریباً به سابقه بود آفریدند. کارگران برای پیشبرد نه تنها مبارزات اقتصادی و مطالباتی خود بلکه حتی فرائز آن برای بدست گرفتن مدیریت کارخانه و کنترل نسبی تولید (در هر واحد تولیدی) به تشکیل شوراهای کارگری دست زدند. این شکل که در زمینه‌ی ذهنی فقدان هرگونه تجربی‌های در این مورد تشکیل یافت بر اثر فروکش‌ی جنبش عمومی سیاسی و سرکوب هرگونه مبارزات حرکت کارگران بوسیله‌ی دولت و بسط و سازمان‌یابی ارگانهای جدید سلطه‌ی دولت "انجمنهای اسلامی کارگران" و... بعقب‌رانده شد.

در شرایطی که اوضاع عینی و ذهنی چنان نیست که پرولتاریا بتواند حضور را بمنابهی یک طبقه در دولت متشکل سازد، همیابی تشکیل اتحادیه‌ها (سندیکاها)، کمیته‌های موقت نمایندگی و شوراهای کارگری در واحدهای مختلف تولیدی بیانگر بیوستگی عنصر اقتصادی و سیاسی و همچنین وجود بحران سیاسی و اقتصادی در جامعه میباشند. تداوم بحران، میتواند به تداوم بازمان‌یابی طبقه‌ی کارگر در شوراهای کارگری بیانجامد و تشکیل شوراهای میتواند در گسترش هر چه بیشتر سازمان‌یابی کمونیستی کارگران در روند تدارک انقلاب سوسیالیستی نقش ویژه‌ای ایفا نماید. سازمان‌یابی کمونیستی کارگران آگاه حول سازمانهای چپ‌جبه‌ی کوچکی از فرآیند سازمان‌یابی طبقه‌ی کارگر در دو ساله‌ی اخیر بوده است. کمیته‌ی این جنبه از تشکیل پرولتاریا گر چه در چندین سال اخیر به سابقه بوده ولی هنوز به سطحی نرسیده که بتواند بیان پیوند ارگانیک کمونیستها بسا طبقه‌ی کارگر باشد. فرآیند رشد آگاهی اتحادیه‌ی سوسیالیستی طبقه‌ی کارگر محصور

مبارزات و عمل مستقیم کارگری، کیفیت مبارزات و سازمان‌یابی کارگران میباشند. سیر وقایع و تحولات سیاسی نقش ویژه‌ای در رشد آگاهی کارگران داشته است. متأسفانه مکانیسم عملکرد چپ و کمونیستها در روند تکوین آگاهی نقش فعالی در سطح کل طبقه‌ی کارگر نباشد است. از حواصت مهم فرآیند نضح آگاهی کارگران فروپاشی توهم آنها نسبت به حاکمیت کنونی است. در ترکیب آگاهی کارگران عناصر نوینی تکوین یافته‌اند که حائز اهمیت بسیار میباشند از جمله خواست کنترل بر تولید که نسبت به سالهای قبل از بارزترین نمونه‌های ارتقاء آگاهی طبقه‌ی کارگران میباشند. ناموزون، رشد آگاهی کارگران از ناموزونی موجودیت طبقه در دوران سلطه‌ی بورژوازی و ماهیت تکامل اجتماعی نشأت میگردد. از جمله خصوصیات دیگر جنبش کارگری در دو ساله‌ی اخیر فروکش‌ی لحظه‌ای و اقلیمی آن میباشند که این حالت ریشه در خودانگیزگی حرکات کارگری و تاثیرپذیری از عوامل روبنایی (سیاسی) و ذهنی دارد.

مبارزه‌ی رحمتکشان و کارگران علیه سرمایه داری و حاکمیت کنونی آن در شرایط بحران سیاسی اقتصادی، تداوم مستقیم مبارزه‌ی آنها علیه رژیم شاه است. با اینهمه تقاسیر جنبش مستقل کارگری در قدمهای اولیه‌ی تکوین خود است.

تعمیر و پیروزی

متأسفانه در شماره‌ی ۶۷ رهائی اشتباهاتی در تالیپ رخ داده است که به شرح زیر اصلاح میشود: صفحه‌ی ۱۹ ستون دوم خط ۵ کلمه‌ی عکس به اشتباه ممکن تالیپ شده است.

صفحه‌ی ۱۹ ستون دوم خط ۳۲ نظام سنتی درست است.

همچنین در مقالهدی "رزمندگان، انصاف و مشاغل انقلاب ایران" دو زیرنویس مربوط به این بخش جا افتاده است:

- ۱) تاکیده‌ها همه جا زماست، مگر اینکه شرآن ذکر شود.
- ۲) "نظام" اصطلاح فارسی‌ای است که اغلب بحسب "سیستم" بکار گرفته میشود. ما تا یکی دانستن ساخت (اسروکتور)، شکلیندی (فرمان سیون) و سیستم موافق نیستیم. اما چگون در اینجا مفهوم موردتذکر رزمندگان را در نظر داریم و نه صحت یا نادرستی کاربندی اصطلاحات را، بنابراین در این مورد بحدود کلمه‌ی "نظام" را معادل هر سه اصطلاح در نظر میگیریم. در بحث بعدی نظمان را در رابطه با شکلیندی ابراز خواهیم داشت.